

بررسی تأثیر ابعاد هویت فردی بر نگرش به ازدواج با میانجی‌گری مؤلفه‌های

افق ازدواج در دانشجویان پسر مجرد تحصیلات تکمیلی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۷/۲۱

نازیلا ابراهیمی^۱، امین کرایبی^{۲*}، ذبیح‌اله عباس‌پور^۳، مسعود شهبازی^۴

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: ازدواج یکی از انتخاب‌های مهم و سرنوشت‌ساز هر فرد است. هدف پژوهش حاضر، طراحی و تدوین مدل تأثیر ابعاد هویت فردی بر نگرش به ازدواج با میانجی‌گری مؤلفه‌های افق ازدواج بود.

روش: جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان پسر مجرد مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های استان آذربایجان شرقی بود که نمونه‌ای به حجم ۳۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد. طرح پژوهش، از نوع تحلیل ماتریس کوواریانس یا همبستگی (تحلیل مسیر) است که به بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم ابعاد هویت فردی بر نگرش به ازدواج با میانجی‌گری مؤلفه‌های افق ازدواج می‌پردازد. ابزارهای مورد استفاده شامل مقیاس نگرش به ازدواج برانن و روزن (۲۰۱۲)، پرسشنامه فرایند هویت فردی بالیستری، باس-روزناگل و گیزینگر (۱۹۹۵)، مقیاس اهمیت ازدواج بلت (۲۰۱۶)، مقیاس سن مورد انتظار ازدواج ویلویگی (۲۰۱۴) و مقیاس آمادگی ازدواج جانسون، اندرسون و استیث (۲۰۱۱) بودند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل مسیر نشان داد، مؤلفه‌ی عشق هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم از طریق سه مؤلفه‌ی افق ازدواج با نگرش نسبت به ازدواج رابطه دارد. اما مؤلفه‌ی کار فقط به صورت غیرمستقیم و از طریق مؤلفه‌ی زمان بندی ازدواج و مؤلفه آمادگی ازدواج با نگرش نسبت به ازدواج رابطه معنی‌داری دارد. از سوی دیگر، مؤلفه‌ی جهان‌بینی هم به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق مؤلفه اهمیت ازدواج و مؤلفه آمادگی ازدواج موجب بهبود نگرش نسبت به ازدواج می‌شود. مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج نیز با به صورت مستقیم با نگرش نسبت به ازدواج ارتباط دارند.

نتیجه‌گیری: یافته‌های به دست آمده از تحلیل مسیر نشان داد، مدل ساختاری از برزندگی خوبی برخوردار است و همه‌ی روابط ساختاری مدل نهایی در سطح $P < 0/05$ معنی‌دار می‌باشد. **کلمات کلیدی:** ابعاد هویت فردی، نگرش نسبت به ازدواج، مؤلفه‌های افق ازدواج.

۱. دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۲. استادیار، گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

* نویسنده مسئول: am.koraei@gmail.com

۳. مدرس مدعو، گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران / استادیار گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز،

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، اهواز، ایران

۴. استادیار، گروه مشاوره، واحد مسجدسلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، مسجدسلیمان، ایران

Investigating the Effect of Individual Identity Dimensions on Attitude toward Marriage with Mediating of Marital Horizons Components in single male postgraduate students

Nazila Ebrahimi¹, Amin Koraei^{2*}, Zabihollah Abbaspour³, Masoud Shahbazi⁴

Original Article

Abstract

Introduction: Marriage is one of the most important and crucial choices for any individual. The purpose of this study was to design and elaborate a model of the effect of individual identity dimensions on attitudes toward marriage through the mediation of marriage horizon components.

Method: The statistical population in this research is all single male postgraduate students in East Azarbaijan universities. A sample of 300 students was selected through stratified random sampling from the mentioned society. Became the current project is a covariance matrix or correlation matrix (path analysis). The tools used for data collection were the Attitude toward Marriage Scale (Brateen & Rosen, 2012), Ego Identity Process Questionnaire (Balistreri, Busch-Rossnagel & Geisinger, 1995), Marriage Important Scale (Belt, 2016), Marriage Expected Age Scale (Willoughby, 2014), and Marriage Readiness Scale (Johnson, Anderson & Stith, 2011).

Results: The results showed that the love identity component both directly and indirectly through the three components of the marital horizon is related to attitudes toward marriage. Also, the component of work identity both directly and indirectly through the three components of the marital horizon is related to attitudes toward marriage. On the other hand, the worldview identity component directly and indirectly, through the marital importance component and the marital readiness component, improves attitudes toward marriage.

Conclusion: Marital horizons components are also related to attitudes toward marriage. The findings of the path analysis revealed that the structural model has good fitness and all structural relationships in the model are significant at $P < 0.05$.

Keywords: Individual Identity Dimensions, attitudes toward marriage, marital horizons components

1. PhD student, Department of Counseling, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

2. Assistant Professor, Department of Counseling, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

* Corresponding Author: am.koraei@gmail.com

3. Invited teacher, Department of Counseling, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran / Assistant Professor, Department of Counseling, College of Educational and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

4. Assistant Professor, Department of Counseling, Masjedsoleyman Branch, Islamic Azad University, Masjedsoleyman, Iran

مقدمه

ازدواج ارتباطی است که دارای ویژگی‌های بی‌نظیر و گسترده‌ای می‌باشد، ارتباطی که دارای ابعاد زیستی، عاطفی، روانی، اقتصادی و اجتماعی است. به عبارت دیگر، هم‌زیستی زن و شوهر در درون واحد خانواده موجب ارتباط عمیق و همه‌جانبه‌ای می‌شود که بی‌هیچ شک و شبه‌ای قابل مقایسه با دیگر ارتباطات انسانی نمی‌باشد، به نحوی که قرار داد ناشی از آن دارای نوعی تقدس شده است (براون، سانچز، نوک و رایت^۱، ۲۰۰۶). ازدواج یکی از انتخاب‌های مهم و سرنوشت‌ساز هر فرد است. این انتخاب یکی از مراحل و فرآیندهای رشد محسوب می‌شود که در تکامل ابعاد درونی و شخصیتی انسان مهم است (آدامسزیک^۲، ۲۰۱۷). کارکردهای ازدواج شامل مقوله‌های جسمانی، روانشناختی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و معنوی می‌باشد (گلستانی‌یخت، ۱۳۹۵).

مسیر رسیدن به بزرگسالی سخت و پرپیچ و خم است. برای بخش عمده‌ای از نوبزرگسالان، ازدواج بخش مهمی از آن سفر است و تصمیم به ازدواج می‌تواند تأثیر عمیقی بر رفتار فرد بگذارد (جانسون^۳، ۲۰۰۹). با توجه به اینکه روند تشکیل خانواده در حال تغییر است، پژوهش در مورد نگرش جوانان به ازدواج به یکی از زمینه‌های مهم پژوهش و دانش خانواده تبدیل شده است. امروزه، معمولاً ازدواج تا اواخر دهه دوم زندگی یا اوایل دهه سوم به تأخیر می‌افتد (کریدر^۴، ۲۰۰۵؛ به نقل از برایان، ویلوعبی، کارول، جنیفر^۵، ۲۰۱۲). نهاد ازدواج طی چند دهه گذشته شاهد تغییرات بسیاری بوده است. این تغییرات شامل افزایش سن ازدواج اول، افزایش ازدواج‌های غیررسمی و طلاق و تحولات تکنولوژیکی (به عنوان مثال، لقاح آزمایشگاهی، قرص‌های ضد بارداری) است که به افراد امکان می‌دهد کنترل بیشتری نسبت به فرزندآوری داشته باشند (چرلین^۶، ۲۰۰۵). اکثر افراد آرزو دارند روزی ازدواج کنند، اگرچه انتظارات واقعی از ازدواج، به ویژه مواردی که فرد تمایل به ازدواج دارد، ممکن است با گذشت زمان تغییر کند (آروکو و کمپ‌داش^۷، ۲۰۱۸). ازدواج همچنان به عنوان یک عامل اجتماعی قدرتمند که می‌تواند مانعی برای نوبزرگسالان در انجام رفتارهای منفی از جمله سوءمصرف الکل (لئونارد و مودار^۸، ۲۰۰۳) و مواد مخدر غیرقانونی (هومیش، لئونارد و کرنلیوس^۹، ۲۰۰۸) باشد، به اثبات رسیده است.

زندگی مشترک بدون ازدواج، انتظارات فرد از ازدواج را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مشخص شده است که این نوع روابط با انتظارات برای ازدواج رابطه مثبت دارد (گازو^{۱۰}، ۲۰۰۹). اغلب افراد

1. Brown, Sanchez, Nouck & Wright
2. Adamczyk
3. Johnson
4. Keider
5. Carroll & Jennifer
6. Cherlin
7. Arocho & Kamp Dush
8. Leonard & Mudar
9. Homish Leonard & Cornelius
10. Guzzo

معتقدند که این روابط بخشی از مسیر طبیعی زندگی است، اما آن را جایگزین ازدواج نمی‌دانند. این افراد انتظار دارند که با شریک خود ازدواج کنند و نسبت به ازدواج‌های رسمی، بسیار نگران ثبات رابطه‌ی خود هستند (مانینگ، لانگ مور و جوردانو^۱، ۲۰۰۷). چنین روابطی به عنوان یک شیوه زندگی غیرمسئولانه قلمداد می‌شود و اغلب افراد مستعد به داشتن روابط طولانی مدت ناپایدار را به خود جلب می‌کند. اگر درست است که ازدواج‌های غیررسمی، افرادی را که مستعد به داشتن روابط ناپایدار هستند، جذب می‌کند، می‌توان گفت این افراد میل به ازدواج کمتر و نگرش منفی به ازدواج داشته باشند (بامپاس، سوویت و چرلین^۲، ۱۹۹۱). به دلیل پیچیدگی‌های روابط پیش از ازدواج، اهداف، شرایط و انگیزه‌های طرفین، نوع شخصیت و جنسیت افراد، نتایج و نیازهای متفاوتی را ایجاد می‌کند. با توجه به تغییرات اجتماعی که در روابط پیش از ازدواج پدید آمده است، به نظر می‌رسد پیدایش و رواج این روابط تأثیرات ساختاری بر بسیاری از نهادهای اجتماعی داشته و می‌تواند به مرور نهاد خانواده و ازدواج را با چالش‌هایی عمیق و ریشه‌ای مواجه کند (کانگر و کرافورد^۳، ۲۰۰۴) که از آن جمله می‌توان به بالا رفتن سن ازدواج و بی‌میلی به ازدواج (چو و شین^۴، ۱۹۹۶)، کاهش نرخ ازدواج (آماتو^۵، ۲۰۰۴)، تغییر نقش زنان در روابط بین دو جنس (گوتیرز-دومینیک^۶، ۲۰۰۸) و روابط جنسی پیش از ازدواج (شاکلا و کوپادیا^۷، ۲۰۰۷) اشاره نمود. آروکو و کمپداس (۲۰۲۰) نشان دادند که سطح تحصیلات و نگرش مذهبی افراد با تأخیر در ازدواج ارتباط دارد.

ارتباط بین نگرش به ازدواج با رفتار و شناخت فرد در طول نوجوانی و جوانی طی چندین تحقیق بررسی شده است (ویلوغبی، یورگاسون، جیمز و کرامر هولمز^۸، ۲۰۲۰). رفتار و تحولات زندگی زناشویی آینده به وسیله نگرش فعلی فرد به ازدواج قابل پیش‌بینی است (برایان و همکاران، ۲۰۱۲). احساسات و نگرش‌ها در مورد ازدواج متغیر کلیدی در تصمیم برای ازدواج و پیش‌بینی معنادار رضایت زناشویی نهایی است (اسچرام، مارشال، هارلز و لی^۹، ۲۰۱۲). نگرش به ازدواج^۱ عبارت است از عقیده ذهنی و باورهای فرد در مورد ازدواج (براتن و روزن^{۱۱}، ۱۹۹۸، به نقل از ویلوغبی، هال و لوژاک^{۱۲}، ۲۰۱۵) که در مراحل اولیه زندگی شکل گرفته و شامل سازه‌های نسبتاً ثابت است. افراد دارای نگرش مثبت نسبت به ازدواج، ازدواج فعلی یا آینده خود را شاد و

1. Manning, Longmore & Giordano
2. Bumpass, Sweet & Cherlin
3. Conger & Crawford
4. Choe & Shin
5. Amato
6. Gutiérrez-Domènech
7. Shukla & Kopadia
8. Willoughby, Yorgason, James & Kramer Holmes
9. Schramm, Marshall, Harrils & Lee
10. Marital Attitude
11. Bratten & Rozen
12. Hall & Luczak

موفق می‌دانند، اما افرادی که دارای نگرش منفی هستند، در این مورد انتظارات مثبت کمتری از ازدواج خود دارند. نگرش منفی نسبت به ازدواج با نگرش منفی به صمیمیت، رابطه جنسی، تعهد و میل به حفظ رابطه و تعارض بیشتر، رابطه دارد (ریگیو و ویزر^۱، ۲۰۰۸).

کارول، ویلوگی، بادگر، نلسون، بری و مادسن^۲ (۲۰۰۹) با استفاده از چشم انداز چرخه عمر خانواده، نظریه افق ازدواج^۳ را در زمینه آمادگی برای ازدواج فراهم کردند. مفهوم افق ازدواج اشاره به چشم انداز یک شخص و یا رویکرد وی به ازدواج در رابطه با وضعیت فعلی اش دارد. کارول و همکاران (۲۰۰۹) پیشنهاد کردند که حداقل سه بخش مرتبط و در عین حال مجزا وجود دارد که تعریف یک فرد بزرگسال از افق تاهل را تشکیل می‌دهد. اول، اهمیت ازدواج در برنامه فعلی زندگی فرد، دوم زمان مورد نظر فرد برای ازدواج در این دوره و سوم معیارهای آمادگی فرد برای ازدواج یا اعتقادات فرد در این زمینه. مفاهیم موجود در ورای افق‌های ازدواج بر "پیش بینی" و "برنامه ریزی" برای ازدواج تمرکز دارد (کارول، ویلوگی، بادگر، نلسون، بری و مادسن، ۲۰۰۷)، و نقش مورد انتظار نوبزرگسالان از ازدواج در زندگی را برجسته می‌کند.

تئوری افق ازدواج، اساس مطالعات بسیاری در سال‌های اخیر شده است که این موضوع نشان دهنده اهمیت عقاید مربوط به ازدواج بر رشد و توسعه افراد بالغ می‌باشد. به عنوان مثال، طبق نظریه افق ازدواج بالغین با تمایز یافتگی بیشتر و یا افرادی که اهمیت کمی به ازدواج می‌دهند و اولویت‌های زمانی دیگری دارند، مشارکت در رفتارهای ریسک پذیرتر (کارول و همکاران، ۲۰۰۷) و فعالیت جنسی بیشتری از خود نشان می‌دهند (ویلوگی و کارول، ۲۰۱۰). اعتقادات زناشویی نیز به طور مستقیم بر توسعه روابط میان بالغین اثر می‌گذارد. یک مطالعه نشان داده است که نگرش مثبت نسبت به ازدواج بیشتر با افزایش تعهد در روابط عاشقانه همراه است (ویلوگی، ۲۰۱۴)، در حالی که مطالعه دیگری دریافته است که سن مطلوب ازدواج به سلامت روان و چگونگی ارتباط سن واقعی ازدواج نوبزرگسالان و همسان سازی تمایلات در آنها بستگی دارد (کارلسون^۴، ۲۰۱۲). زمان بندی ازدواج و اهمیت آن با مصرف مواد و هرج و مرج جنسی آن دسته از افرادی که زمان ازدواج را به تاخیر می‌اندازند و به ازدواج کمتر اهمیت می‌دهند و بیشتر درگیر این رفتارها هستند، مرتبط می‌باشد (کارول و همکاران، ۲۰۰۷).

به نظر می‌رسد در نوبزرگسالان هرچه افق ازدواج کوتاه‌تر درک شود، فرد کمتر درگیر رفتارهای ناسالم فردی و رابطه‌ای شوند و دوره تجرد آنها در بزرگسالی کوتاه‌تر باشد. به عنوان مثال، در تحقیقات اخیر، افرادی که افق زناشویی کوتاه‌تری داشتند، احتمال کمتری دارد الکل و مواد مخدر غیرقانونی مصرف کنند (ویلوگی و دروکین^۵، ۲۰۰۹)، کمتر به تماشای فیلم‌های پورن

1. Riggio & Weiser
2. Carroll, Willoughby, Badger, Nelson, Barry & Madsen
3. Marital Horizon Theory
4. Carlson
5. Willoughby & Dworkin

می‌پردازند (کارول و همکاران، ۲۰۰۸) و کمتر درگیر روابط جنسی غیرمترعارف می‌شوند (کارول و همکاران، ۲۰۰۷). همچنین، افق‌های زناشویی کوتاه‌تر رابطه مثبتی با با فرزندمحور بودن ازدواج و رابطه منفی با تمایل به داشتن فرزند خارج از زناشویی، استقلال همسر و زندگی مشترک قبل از ازدواج دارد (کارول و همکاران، ۲۰۰۷).

پژوهش‌های قبلی به بررسی برخی از مسائل در توسعه هویت و اعتقادات و شکل‌گیری روابط صمیمانه پرداخته‌اند، اما مطالعات اندکی تا به امروز رابطه‌ی این دو را با هم بررسی کرده‌اند و بسیاری از این مطالعات تنها اعتقادات کوتاه‌مدت و رفتارهای همزمان را مورد بررسی قرار داده‌اند (بری^۱، مادسن، نلسون، کارول و بادگر، ۲۰۰۹؛ زیمر-گمبک، هاقس، کلی و کانلی^۲، ۲۰۱۲). شکل‌گیری هویت شامل ایجاد انتخاب و تعهد به نقش‌ها است (مولیس، مولیس، اسکوارتز، پیتر و شرینر^۳، ۲۰۰۷). پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهند که موفقیت در هویت عشقی با دیدگاه مرکزی در مورد ازدواج که در زمان بندی قبل از ازدواج دیده می‌شود سازگار است و اهمیت بیشتر ازدواج در مقایسه با همسالانی که کمتر اهمیت می‌دهند مشهود می‌باشد (بایرز و سیفگه-کرنکه^۴، ۲۰۱۰). با این حال، پیشرفت در هویت کار احتمالاً با ازدواج در حال رقابت می‌باشد و به عنوان یک نقش اصلی در نظر گرفته می‌شود و در زمان‌هایی از اهمیت ازدواج می‌کاهد (ویلوغی، هال و گاف^۵، ۲۰۱۵). به طور مشابه کسب پیشرفت در توسعه جهان‌بینی نیز احتمالاً در مرحله بعدی با زمان‌بندی مربوط به ازدواج مرتبط می‌شود و اهمیت کمتر آن از ازدواج ممکن است با تصمیم‌گیری‌های مستقل و باورهای شخصی فرد در ارتباط باشد (آرنت، راموس و جنسن^۶، ۲۰۰۱).

برای درک چگونگی اتصال افق ازدواج و هویت، تعریف هویت بسیار مهم است. اگر چه تعریف دقیق هویت در تحقیقات متفاوت است، اما به طور کلی مجموعه‌ای از باورها و ادراکات فردی در مورد چگونگی ورود به دنیای اجتماعی می‌باشد (اریکسون، ۱۹۵۰، به نقل از زیمرمن، مانتزورانیس و بیرمن^۷، ۲۰۱۰). چنین اعتقادی از طریق فرایند کاوش و جمع‌آوری امکاناتی که پس از تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه امکاناتی را برای متعهد کردن به زندگی خود اختصاص دهیم حاصل می‌شود و در افراد بالغ کسب هویت نامیده می‌شود (مارسیا^۸، ۱۹۶۶؛ به نقل از زیمرمن و همکاران، ۲۰۱۰). به طور خاص، اکتشاف امکانات در سه حوزه هویت به عنوان کلیدی برای نوبزگسالان برجسته شده و هموارکننده جاده رو به نوبزگسالی در کنار عشق (روابط احساسی)، کار و جهان‌بینی (ارزش‌ها) می‌باشد (آرنت، ۲۰۰۰).

1. Barry
2. Zimmer-Gembeck, Hughes, Kelly & Connolly
3. Mullis, Mullis, Schwartz, Pease & Shriner
4. Beyers & Seiffge-Krenke
5. Goff
6. Arnett, Ramos & Jensen
7. Zimmermann, Mantzouranis & Biermann
8. Marcia

علیرغم کمبود پژوهش‌ها در این زمینه، چند مطالعه به آن اشاره کرده‌اند و ارتباط احتمالی بین باورهای زناشویی و توسعه هویت را در نظر گرفته‌اند. مثلاً در یک مطالعه، نوبزگسالانی که شکل‌گیری هویت خود را برتر می‌دانستند به احتمال بیشتری دلیل آن را وجود روابط عاشقانه می‌دانستند (بری و همکاران، ۲۰۰۹)، این مطلب نشان می‌دهد که تشکیل هویت موفق به عنوان نشانگری برای تغییر در تمرکز در تشکیل تمایلات می‌باشد. مطالعات دیگر نشان داده‌اند که افراد دارای هویت خانواده‌گرا احتمالاً بیشتر آماده انتقال خانواده، از جمله ازدواج، در اوایل زندگی هستند. سالملا-آرو، آنولا، و نورمی^۱ (۲۰۰۷)، نشان می‌دهند که آنچه که منجر به هویت می‌شود با شکل‌گیری تمایلات ارتباط دارد. با کنار هم قرار دادن همه موارد، این مطالعات نشان می‌دهند که ارتباطی بین هویت و تمایلات رفتاری وجود دارد اما یک تصویر واضح از چگونگی شکل‌گیری هویت در نوبزگسالان و اتصال آن به باورهای تمایلی به دست نمی‌دهند. همان‌طور که نوبزگسال اول کشف می‌کند و سپس متعهد به انواع امکانات در هر دامنه هویتی می‌شود، نه تنها درک می‌کنند که چه کسی هستند بلکه شروع به تمرکز بر آینده خود در نقش‌های نوبزگسالی می‌کنند (کراستی، اسکرینارو، سیکا و مارچین^۲، ۲۰۱۲). به عبارت دیگر، انتقال به نوبزگسالی، بستگی به قرار دادن نقش‌های جدید در هویت فرد بالغ دارد.

هویت عشق (روابط احساسی). همان‌طور که نوبزگسالان دستاوردهایی در هویت عاشقانه خود پیدا می‌کنند، شروع به ایجاد روابط بیشتر به طور جدی‌تر می‌کنند، این موضوع هم در روابط رفتار آنها و هم در نتایج ارتباطات آنها مشاهده می‌شود. پژوهش در مورد وضعیت هویت و رفتارهای دوستیابی نشان می‌دهد که نوبزگسالان بر دوستیابی‌های خود در درجه اول به منظور شناخت خودشان و ترجیحات و گزینه‌ها تمرکز می‌کنند (زیمر-گمبک و همکاران، ۲۰۱۲)؛ در حالی که کسانی که یک وضعیت هویتی به دست آمده دارند به دنبال تعهد و روابط بلندمدت می‌باشند (مونتگومری^۳، ۲۰۰۵). علاوه بر این، تعهدی روشن به هویت عشقی خود پیدا می‌کنند که با درک بیشتر و مثبت از روابط فعلی و سرمایه‌گذاری‌های ارتباطی همراه می‌باشد (آسیتلی، راجرز، و نی^۴، ۱۹۹۹) و رفتارهای مثبت و روابط مثبت و اعتماد بیشتر کسب می‌کنند (بری و همکاران، ۲۰۰۹). چنین تحقیقی به وضوح نشان می‌دهد که دستاورد هویت فردی در عشق با شکل‌گیری روابط صمیمانه قوی ارتباط دارد (بایرز و سیفگه-کرنک، ۲۰۱۰)، که نشان‌دهنده افزایش اهمیت روابط بلند مدت می‌باشد. پس از آن انتظار می‌رود که با احساس خودیابی نوبزگسالان از نظر عشقی بیشتر متعهد به ایده ازدواج شوند، و اهمیت بیشتری به ازدواج دهند و انتظار می‌رود که زودتر ازدواج کنند.

1. Salmela-Aro, Aunola, & Nurmi
2. Crocetti, Scrignaro, Sica & Magrin
3. Montgomery
4. Acitelli, Rogers & Knee

هویت کار (حرفه‌ای). زمانی که نوبزگسالان در برنامه‌های زندگی آینده خود قرار دارند، ازدواج جایگاه دوم را می‌گیرد (ویلوغبی و کارول، ۲۰۱۵). تحقیقات نشان می‌دهند که بسیاری از نوبزگسالان بر این باورند که پیشرفت تحصیلی و ایجاد شغل، بر ازدواج مقدم هستند (کارول و همکاران، ۲۰۰۹)، که نشان دهنده وجود یک حس قوی در میان نوبزگسالان در مورد نیاز به یک حرفه پایدار قبل از ازدواج می‌باشد. علاوه بر این، مطالعه دیگری نشان داد که نوبزگسالان احساس می‌کردند که حرفه آینده آنها نقش بیشتری نسبت به نقش همسرشان در زندگی آینده بازی خواهد کرد (ویلوغبی، هال، و گاف، ۲۰۱۵). با این حال، دیگر نوبزگسالانی که نقش اصلی خود را نقش همسری می‌دانند و آن را مهمتر از حیطة شغلی می‌دانند زودتر از دوستان و همسالان دیگر خود ازدواج می‌کنند (ویلوغبی، هال و لوژاک، ۲۰۱۵). این یافته‌ها نشان می‌دهند که، بر خلاف هویت عشق و ازدواج، هویت کار و افق‌های ازدواج، به جای در کنار هم بودن، از یکدیگر جدا می‌شوند. پس اهمیت ازدواج به احتمال زیاد پایین‌تر می‌باشد و زمان بندی آن در جایگاه دوم پس از کار قرار می‌گیرد، پیشنهادکننده جدایی هویت کار از تشکیل تمایل برای ازدواج می‌باشد.

هویت جهان‌بینی (ارزش‌ها). نوبزگسالان به طور مداوم اشاره می‌کنند که "تصمیم‌گیری در مورد اعتقادات / ارزش‌های شخص به طور مستقل از والدین یا سایر تأثیرات" می‌باشد، و یکی از معیارهای برتر بزرگسالی می‌باشد (آرنت، ۱۹۹۸)، که توسعه هویت جهانی را به عنوان یکی از بالاترین ترجیحات نوبزگسالان قرار می‌دهد. با این حال، درک این پیگیری در ارتباط با توسعه تمایلات ناقص می‌باشد. تحقیقات پیشین افق‌های ازدواج نشان می‌دهند که نوبزگسالان توسعه هویت جهان‌گرا را برای ازدواج ضروری می‌دانند (کارول و همکاران، ۲۰۰۹)، اما هیچ مطلبی به طور خاص تلاشی برای اتصال هویت جهانی با تشکیل تمایل انجام نداده است. توسعه هویت جهانی در میان نوبزگسالان با پیگیری استقلال از دیگران و تکانه‌های فردی مشخص می‌شود (آرنت، راموس و جنسن، ۲۰۰۱)، که با یک روند دارای تعهد کمتر به روابط و تاخیر در تشکیل رابطه جدی مشخص می‌شود (دیون و دیون، ۱۹۹۱). در واقع یک بیان بسیار "مستقل از تأثیرات دیگر" نشان دهنده جدایی توسعه جهان‌بینی از زمینه روابط می‌باشد. اگر چنین است، پس شکل‌گیری توسعه جهان‌بینی با یک تمرکز بر استقلال به احتمال زیاد منجر به روند رو به عقب ازدواج می‌شود.

تعیین رابطه بین هویت و صمیمیت می‌تواند برای درک صمیمیت در نوبزگسالان ضروری باشد. افزایش سن در ازدواج اول (۲۹ سال برای مردان و ۲۷ سال برای زنان؛ دفتر سرشماری ایالات متحده، ۲۰۱۴) تأخیر در نیاز به صمیمیت را نشان می‌دهد که به معنای بالا رفتن سن

بزرگسالی و در نتیجه ادامه روند تشکیل هویت است. گرچه عوامل شکل دهنده هویت در میان بالغین به خوبی مورد مطالعه قرار گرفته است، پژوهشگران هنوز در مورد چگونگی شکل‌گیری هویت در نوجوانان نظر واحدی دارند. یک کلید برای فهمیدن ارتباط فعلی بین شکل‌گیری هویت و شکل‌گیری تمایلات در میان نوجوانان در پژوهشی نهفته است که نشان می‌دهد که می‌توان به سادگی ازدواج را به تعویق انداخت، به معنایی دیگر هدف ازدواج در حال تغییر است و دیگر به عنوان یک وظیفه اصلی برای تبدیل شدن به یک نوجوان به حساب نمی‌آید (ویلوگی، هال و لوژاک، ۲۰۱۵). اگر چنین باشد، پس ارتباط بین هویت و تمایل نیز ممکن است تغییر کند. در حالی که برخی تحقیقات نشان می‌دهند که شکل‌گیری هویت و روابط نزدیک بین نوجوانان هنوز هم مرتبط می‌باشد (پیتمن، کرپلمن، سوتو و آدلر-بیدر^۱، ۲۰۱۲؛ زیمر-گمبک و همکاران، ۲۰۱۲)، هنوز مشخص نیست که آیا تمایلات درازمدت در ازدواج با تشکیل هویت در میان نوجوانان مرتبط است یا خیر؟ برخی پژوهشگران معتقدند که چون ازدواج دیگر هنجاری از دوره نوجوانی محسوب نمی‌شود، نیاز به تمرکز بر باورها و نگرش به روابط بلندمدت است (ویلوگی، هال و لوژاک، ۲۰۱۵). با این حال، تا به امروز، پژوهش‌های اندکی ارتباط بین شکل‌گیری هویت و باورهای روابط آینده مانند ازدواج را بررسی کرده‌اند (به عنوان مثال بلت^۲، ۲۰۱۶).

مطالعات قبلی نشان می‌دهد که سن و بلوغ جسمی و جنسی (کیان و پرستون^۳، ۱۹۹۳)، محل زندگی افراد (شوبل، جانسون و جانسون^۴، ۲۰۱۲)، تأثیرات خانواده (لارسون، بنسون، ویلسون و مدورا^۵، ۱۹۹۸)، وضعیت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری (لاکسلی^۶، ۱۹۸۲)، تأثیرات والدین (کرپلمن و شوان ولت^۷، ۱۹۹۹)، فرهنگ و توانایی درک تفاوت‌ها (اندرسون^۸، ۱۹۹۰)، در دسترس بودن همسر (لیچر، اندرسون و های وارد^۹، ۱۹۹۵) و ترجیحات فردی (مک لاناها و کاسپر^{۱۰}، ۱۹۹۵؛ اتوق و استرن^{۱۱}، ۱۹۸۴) رغبت به ازدواج را تحت تأثیر قرار می‌دهند (به نقل از بلت، ۲۰۱۶).

افراد در طول زندگی خود به طور مداوم در حال انتخاب هستند و در هر انتخاب ملاک‌هایی را مبنا قرار می‌دهد. در مورد ازدواج برخی از این ملاک‌ها خاص و برخی نیز تقریباً بین همه اعضای یک گروه، از نظر جنس یا نوع مشترک می‌باشند (کلاکستون، اورارک، اسمیت و دلانگیس^{۱۲}، ۲۰۱۳). جامعه‌ی رشدیافته در گروه خانواده‌های منسجم و موفق می‌باشد. این هدف زمانی تحقق

1. Pittman, Kerpelman, Soto, & Adler-Baeder

2. Belt

3. Qian & Preston

4. Scheuble, Johnson & Johnson

5. Larson, Benson, Wilson & Medora

6. Locksley

7. Kerpelman & Schvaneveldt

8. Anderson

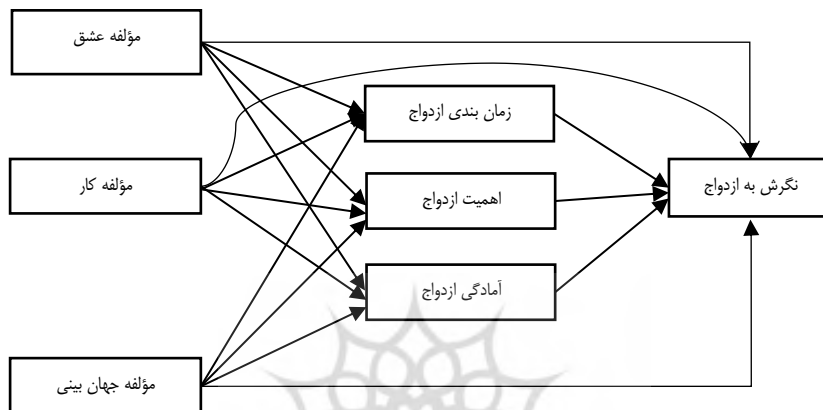
9. Lichter, Anderson & Hayward

10. Mc Lanahan & Casper

11. Etough & Stern

12. Claxton, O'Rourke, Smith & DeLongis

می‌یابد که انتخاب همسر از روی آگاهی و با توجه به معیارهای صحیح صورت گیرد (بویسی، وود، دیلانی و فرگوسن، ۲۰۱۷). بنابراین هدف از این مطالعه پر کردن شکاف در تحقیقات موجود و رسیدن به این درک است که چگونه نوبزگسالان هویت خود را با تمایلات آینده خود ارتباط می‌دهند. به طور خاص، شکل‌گیری هویت در حوزه‌های عشق، کار و جهان‌بینی مربوط به چگونگی زمان‌بندی نوبزگسالان و اهمیت ازدواج را مورد مشاهده قرار می‌دهد. لذا با توجه به شکاف موجود و نتایج پژوهش‌های ذکر شده (به‌ویژه پژوهش بلت، ۲۰۱۶)، مدل زیر پیشنهاد می‌شود.



شکل ۱. مدل پیشنهادی اثرات مستقیم و غیرمستقیم ابعاد هویت بر نگرش نسبت به ازدواج با نقش میانجی مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج در دانشجویان پسر مجرد

مسئله اصلی در این پژوهش این است که آیا مدل پیشنهادی مربوط به اثرات مستقیم و غیرمستقیم ابعاد هویت بر نگرش نسبت به ازدواج با نقش میانجی مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج در دانشجویان پسر مجرد برآورده می‌باشد؟ بر اساس مدل فرض شده ابعاد هویت به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج بر نگرش به ازدواج تأثیر دارد. همچنین مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج به‌صورت مستقیم بر نگرش به ازدواج تأثیر دارد.

روش

طرح پژوهش حاضر یک طرح همبستگی از نوع تحلیل ماتریس کواریانس یا همبستگی است. جامعه آماری شامل دانشجویان پسر مجرد شاغل به تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های استان آذربایجان شرقی در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ می‌باشد. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از بین دانشجویان مجرد این دانشگاه‌ها، ۳۰۰ نفر دانشجوی پسر انتخاب شده و پرسشنامه‌های پژوهش در اختیار آن‌ها قرار گرفت. به منظور انتخاب نمونه، پس از طی روند اداری لازم و اخذ مجوزهای مربوطه، به دانشگاه‌های استان آذربایجان شرقی (شامل

دانشگاه‌های تبریز، علوم پزشکی تبریز، دانشگاه صنعتی سهند، واحدهای دانشگاه پیام نور و واحدهای دانشگاه آزاد استان) مراجعه شد. سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نمونه‌ای لازم از میان دانشجویان هر دانشگاه به طور مجزا انتخاب و پرسشنامه‌های پژوهش در اختیار آنها قرار می‌گرفت. لازم به ذکر است که هر کدام از افرادی که واجد شرایط شرکت در پژوهش بودند (مجرد بودن، دانشجوی تحصیلات تکمیلی بودن، نداشتن سابقه ازدواج قبلی) انتخاب می‌شدند. بر این اساس تعداد ۳۰۰ دانشجوی پسر از دانشگاه‌های مذکور به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دادند که در نهایت اطلاعات به دست آمده از این افراد توسط پژوهشگر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزارهای پژوهش

الف) مقیاس نگرش و انتظارات از ازدواج: مقیاس نگرش و انتظارات از ازدواج^۱ (پارک و روزن^۲، ۲۰۱۲)، یک مقیاس ۳۶ سؤالی است که برای اندازه‌گیری سه مؤلفه‌ی قصد ازدواج (۳ ماده)، نگرش نسبت به ازدواج (۱۰ ماده) و انتظارات از ازدواج (۲۳ ماده) ساخته شده است و برای نخستین بار در این پژوهش ترجمه و مورد استفاده قرار گرفت. در پژوهش حاضر فقط از ۱۰ سوال مربوط به خرده‌مقیاس نگرش نسبت به ازدواج استفاده شده است. نمره‌گذاری این مقیاس در یک طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) صورت می‌گیرد. دامنه نمرات از ۱۰ تا ۷۰ می‌باشد و نمرات بالاتر، نشان‌دهنده نگرش مثبت‌تر نسبت به ازدواج می‌باشد. پارک و روزن (۲۰۱۲) پایایی خرده‌مقیاس نگرش را با روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۱ و روایی سازه این مقیاس را با استفاده از تحلیل عامل اکتشافی و تأییدی مورد تأیید قرار دادند. پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر با روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۷ به دست آمد.

ب) پرسشنامه فرایند هویت فردی: مؤلفه‌های هویت، با استفاده از پرسشنامه ۳۲ سؤالی فرایند هویت فردی (بالیستری، باس-روزناگل و گیزینگر^۳، ۱۹۹۵) اندازه‌گیری شد. این پرسشنامه وضعیت هویت را براساس مدل مارسیا (۱۹۶۶) از طریق دو حوزه اکتشاف و تعهد بررسی می‌کند. سطح اکتشاف چهار بعد ایدئولوژیک شامل کار، مذهب، سیاست و ارزش‌ها و سطح تعهد نیز چهار بعد بین فردی شامل خانواده، دوستی، نقش جنسیتی و عشق را مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد. در پژوهش حاضر ۱۲ ماده‌ی مربوط به سه بعد هویت شامل عشق (روابط احساسی)، کار (حرفه) و جهان بینی (ارزش‌ها) مورد استفاده قرار گرفت که نظر افراد را در یک طیف لیکرت ۶ درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۶) مورد سنجش قرار می‌دهد. نمره بالا در هر خرده‌مقیاس نشان‌دهنده هویت کسب شده‌ی بیشتر است. بلت (۲۰۱۶) در پژوهش

1. Marital Attitudes and Expectations Scale

2. Park & Rosen

3. Balistreri, Busch-Rossnagel & Geisinger

خود ضریب پایایی این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ برای سه مؤلفه عشق (روابط احساسی)، کار و جهان بینی (ارزش‌ها) به ترتیب برابر $0/51$ ، $0/55$ و $0/60$ به دست آوردند. پیس و زاپولا^۱ (۲۰۰۹) در پژوهش خود ضریب پایایی ابعاد این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ در دامنه‌ای بین $0/80$ تا $0/86$ محاسبه کردند. همچنین، پلرون، راماسی، گرانا و کراپارو^۲ (۲۰۱۷) در پژوهش خود ضریب پایایی ابعاد این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ مطلوب ارزیابی کردند. مورشونبول و آتاک^۳ (۲۰۱۳) ضریب پایایی ابعاد این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ در دامنه‌ای بین $0/62$ تا $0/73$ و روایی همزمان ابعاد آن را در دامنه‌ای بین $0/84$ تا $0/87$ به دست آوردند. امینی (۱۳۹۱) در پژوهش خود ضریب پایایی این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ مطلوب ارزیابی کرد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای سه خرده‌مقیاس پرسشنامه به ترتیب برابر $0/82$ ، $0/80$ و $0/75$ به دست آمد.

پ) مقیاس اهمیت ازدواج: این مقیاس توسط بلت (۲۰۱۶) ساخته شد که شامل ۴ سؤال است و برای اندازه‌گیری اهمیت ازدواج از مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج به کار می‌رود. این مقیاس، اهمیت ازدواج را از نظر آزمودنی در یک طیف لیکرت شش درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۶) اندازه‌گیری می‌کند. نمره‌ی بالاتر در این مقیاس نشان دهنده بیشتر بودن اهمیت ازدواج در نظر آزمودنی است. بلت (۲۰۱۶) پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر $0/70$ محاسبه نمود. این مقیاس برای اولین بار در ایران ترجمه و در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت که ضریب پایایی این مقیاس نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر $0/84$ به دست آمد.

ت) مقیاس سن مورد انتظار ازدواج: مقیاس سن مورد انتظار ازدواج توسط ویلوغی (۲۰۱۴) ساخته شده و شامل دو سؤال است که نظر افراد در مورد اینکه زمان یا سن موردنظرشان برای ازدواج چند سال است، را می‌سنجد. این مقیاس از فرد سوال می‌پرسد که حداقل و حداکثر سن موردانتظار برای ازدواج خود را بنویسید. سپس میانگین سن حداقل و حداکثر ذکر شده توسط آزمودنی به عنوان سن موردانتظار ازدواج در نظر گرفته خواهد شد.

ث) مقیاس آمادگی ازدواج: مقیاس آمادگی ازدواج نیز توسط جانسون، اندرسون و استیث^۴ (۲۰۱۱) ساخته شده و شامل یک ماده است که نظر افراد در مورد اینکه آیا در شرایط فعلی خود را برای ازدواج آماده می‌بینند، را می‌سنجد. این مقیاس از فرد سوال می‌پرسد که آیا در حال حاضر آمادگی ازدواج دارید؟ سپس پاسخ فرد در دامنه‌ای بین ۱ (اصلاً آماده نیستم) تا ۱۰ (کاملاً آماده‌ام) ابراز خواهد شد.

1. Pace & Zappulla
2. Pellerone, Ramaci, Granà & Craparo
3. Morsünbül & Atak
4. Johnson, Anderson & Stith

در این پژوهش ابتدا روش‌های آمار توصیفی مانند میانگین، انحراف معیار و همبستگی‌های پیرسون با استفاده از نرم‌افزار SPSS ویرایش ۲۴ انجام شد. پس از آن تحلیل‌های پیچیده‌تر از طریق "تحلیل مسیر (PA) برای ارزیابی مدل فرضی با استفاده از نرم‌افزار AMOS ویرایش ۱۸ استفاده شد.

یافته‌ها

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
مؤلفه‌ی عشق	۱۵/۶۵	۳/۲۳
مؤلفه‌ی کار	۱۵/۹۷	۳/۶۳
مؤلفه‌ی جهان‌بینی	۱۵/۲۹	۳/۰۸
مؤلفه‌ی زمان‌بندی ازدواج	۲۹/۷۵	۳/۷۷
مؤلفه‌ی اهمیت ازدواج	۱۳/۷۵	۵/۸۷
مؤلفه‌ی آمادگی ازدواج	۴/۳۸	۲/۹۵
نگرش به ازدواج	۴۶/۸	۱۰/۸۸

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمودنی‌ها در نگرش به ازدواج به ترتیب ۴۶/۸ و ۱۰/۸۸ می‌باشد. همچنین میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمودنی‌ها در سایر متغیرها نیز مشاهده می‌شود. جدول ۲ ضرایب همبستگی بین متغیرهای مختلف پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش در کل آزمودنی‌ها

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	مؤلفه‌ی عشق	۱	۰/۲۲۴*	۰/۲۵۴*	-۰/۱۷۶*	-۰/۳۴۱*	-۰/۳۷۶*	-۰/۶۱۵*
۲	مؤلفه‌ی کار	-	۱	۰/۳۷۷*	-۰/۱۸۵*	-۰/۲۹۹*	-۰/۳۳۲*	-۰/۳۹۹*
۳	مؤلفه‌ی جهان‌بینی	-	-	۱	-۰/۱۱۶*	-۰/۳۱۲*	-۰/۳۱۱*	-۰/۴۰۶*
۴	مؤلفه‌ی زمان‌بندی ازدواج	-	-	-	۱	-۰/۳۱۲*	-۰/۱۷۷*	-۰/۳۱۳*
۵	مؤلفه‌ی اهمیت ازدواج	-	-	-	-	۱	-۰/۵۹۹*	-۰/۵۸۲*
۶	مؤلفه‌ی آمادگی ازدواج	-	-	-	-	-	۱	-۰/۵۸۲*
۷	نگرش به ازدواج	-	-	-	-	-	-	۱

لازم به ذکر است که همه‌ی ضرایب همبستگی ذکر شده بین متغیرها در سطح $P < 0.05$ معنادار می‌باشند.

همان‌طور که در ابتدا ذکر شد در پژوهش حاضر با توجه به مطالعات گذشته، برای بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم ابعاد هویت بر نگرش نسبت به ازدواج با نقش میانجی مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج در دانشجویان پسر مجرد یک مدل مفهومی پیشنهاد شد. به منظور ارزیابی

الگوی پیشنهادی، بخش ساختاری الگو با استفاده از الگویابی معادلات ساختاری ۱ (SEM) با برآورد حداکثر درست‌نمایی (ML) برآورد گردید. تمامی تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS ۲۴ و ویرایش ۱۶ انجام گرفت. پیش از بررسی ضرایب ساختاری، برازندگی الگوی اصلی مورد بررسی قرار گرفت. برای تعیین کفایت برازندگی الگوی پیشنهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی مورد استفاده قرار گرفت. با وجود این که مقادیر برخی شاخص‌های برازندگی حاکی از برازش نسبتاً خوب الگوی اولیه با داده‌ها بودند، ولی نتایج نشان می‌دادند که الگوی اصلی نیاز به بهبود دارد. در گام، بعد ارتقای برازندگی الگوی اصلی از طریق حذف یک مسیر (الگوی نهایی) انجام گرفت. با حذف این مسیرها تناسب مدل به صورت معناداری افزایش یافت.

جدول ۳. برازش الگوهای پیشنهادی و نهایی با داده‌ها بر اساس شاخص‌های برازندگی

RMSEA	NFI	CFI	TLI	IFI	AGFI	GFI	χ^2/df	df	χ^2	
۰/۳۳	۰/۸۳۴	۰/۸۳۳	۰/۸۶۶	۰/۸۳۸	۰/۲۴۰	۰/۹۱۹	۳۴/۱۹	۳	۱۰۲/۵۹	الگوی پیشنهادی
۰/۰۱۷	۰/۹۹۱	۰/۹۹۹	۰/۹۹۷	۰/۹۹۹	۰/۹۷۱	۰/۹۹۸	۱/۰۹	۲	۲/۱۸	الگوی نهایی

همان‌گونه که در جدول ۳ آمده است، با توجه به شاخص‌های برازندگی به ویژه نسبت مجذور کای به درجه‌ی آزادی برابر ۱/۰۹، شاخص نیکویی برازش^۲ برابر ۰/۹۹۸، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته^۳ برابر ۰/۹۷۱، شاخص برازندگی مقایسه‌ای^۴ برابر ۰/۹۹۹، ریشه خطای تقریب میانگین مجذورات^۵ برابر ۰/۰۱۷، شاخص برازندگی افزایشی^۶ برابر ۰/۹۹۹ و شاخص برازش هنجار شده^۷ برابر ۰/۹۹۱ مدل ساختاری از برازندگی خوبی برخوردار است و همه‌ی روابط ساختاری موجود در مدل نهایی در سطح $P < ۰/۰۵$ معنادار می‌باشد. ضرایب مسیر در مدل پیشنهادی و مدل نهایی در جدول ۴ آمده است.

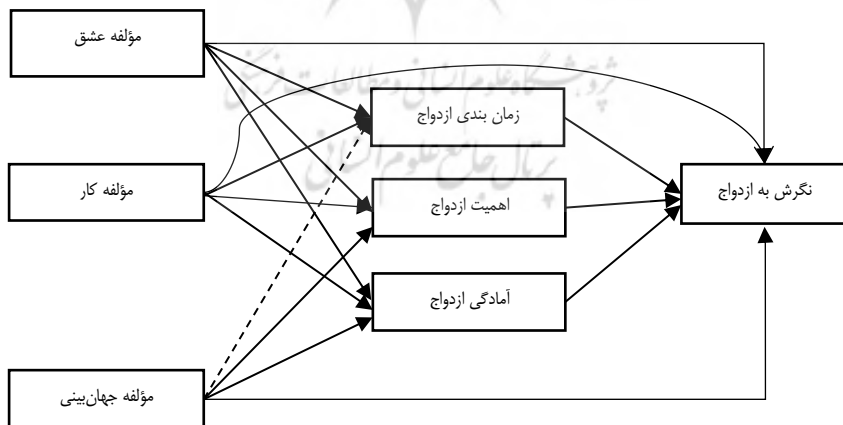
1. Structural Equation Modeling
2. Goodness of Fit Index
3. Adjusted Goodness of Fit Index
4. Comparative Fit Index
5. Root Mean Squared Error of Approximation
6. Incremental Fit Index
7. Normalized Fit Index

جدول ۴. الگوی ساختاری: مسیرها و ضرایب استاندارد مربوط به اثرات مستقیم بین متغیرهای

پژوهش در مدل نهایی

مدل نهایی		مدل پیشنهادی		مسیر
P	β	P	β	
۰/۰۱۵	-۰/۱۴۱	۰/۰۲	-۰/۱۳۶	مؤلفه‌ی عشق به مؤلفه‌ی زمان بندی ازدواج
۰/۰۰۸	-۰/۱۵۴	۰/۰۱۸	-۰/۱۴۵	مؤلفه‌ی کار به مؤلفه‌ی زمان بندی ازدواج
-	-	۰/۶۶۸	-۰/۰۲۷	مؤلفه‌ی جهان‌بینی به مؤلفه‌ی زمان بندی ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۲۵۹	۰/۰۰۱	۰/۲۵۶	مؤلفه‌ی عشق به مؤلفه‌ی اهمیت ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۱۷۶	۰/۰۰۲	۰/۱۷۳	مؤلفه‌ی کار به مؤلفه‌ی اهمیت ازدواج
۰/۰۰۴	۰/۱۵۹	۰/۰۰۱	۰/۱۸۲	مؤلفه‌ی جهان‌بینی به مؤلفه‌ی اهمیت ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۲۸۹	۰/۰۰۱	۰/۲۸۹	مؤلفه‌ی عشق به مؤلفه‌ی آمادگی ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۲۰۷	۰/۰۰۱	۰/۲۰۷	مؤلفه‌ی کار به مؤلفه‌ی آمادگی ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۱۷۸	۰/۰۰۴	۰/۱۵۹	مؤلفه‌ی جهان‌بینی به مؤلفه‌ی آمادگی ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۳۸۸	۰/۰۰۱	۰/۳۹۶	مؤلفه‌ی عشق به نگرش به ازدواج
۰/۰۰۶	۰/۱۱۲	۰/۰۰۶	۰/۱۱۴	مؤلفه‌ی کار به نگرش به ازدواج
۰/۰۰۳	۰/۱۲۰	۰/۰۰۳	۰/۱۲۳	مؤلفه‌ی جهان‌بینی به نگرش به ازدواج
۰/۰۰۶	-۰/۱۰۵	۰/۰۰۵	-۰/۱۰۷	مؤلفه‌ی زمان بندی ازدواج به نگرش به ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۲۱۹	۰/۰۰۱	۰/۲۲۵	مؤلفه‌ی اهمیت ازدواج به نگرش به ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۲۱۴	۰/۰۰۱	۰/۲۱۸	مؤلفه‌ی آمادگی ازدواج به نگرش به ازدواج

براساس نتایج نشان داده شده در جدول ۴ همه‌ی ضرایب مسیر مربوط به مدل نهایی معنی‌دار هستند. هم‌چنین همان‌طور که گفته شد مسیر غیر معنی‌دار از مدل نهایی حذف گردید.



شکل ۲. الگوی نهایی اثرات مستقیم و غیرمستقیم ابعاد هویت بر نگرش نسبت به ازدواج با نقش میانجی مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج در دانشجویان پسر مجرد

همان‌گونه که در مدل نهایی مشاهده می‌شود، مؤلفه‌ی عشق هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم از طریق سه مؤلفه‌ی افق ازدواج با نگرش نسبت به ازدواج رابطه دارد. مؤلفه‌ی کار نیز هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم از طریق سه مؤلفه‌ی افق ازدواج با نگرش نسبت به ازدواج رابطه دارد. از سوی دیگر؛ مؤلفه‌ی جهان‌بینی هم به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق مؤلفه اهمیت ازدواج و مؤلفه آمادگی ازدواج موجب بهبود نگرش نسبت به ازدواج می‌شود. مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج نیز با به صورت مستقیم با نگرش نسبت به ازدواج ارتباط دارند.

جهت بررسی روابط واسطه‌ای بین متغیرهای پژوهش از روش بوت استرپ^۱ استفاده شد. این روش یکی از روش‌های نمونه‌گیری مکرر بوده و شامل ترسیم تعداد زیادی نمونه با جایگشت از نمونه اصلی است. با توجه به شکل ۲ و با استناد به ضرایب استاندارد ذکر شده مسیرها، نتایج آزمون برای مسیرهای غیرمستقیم پژوهش، در جدول زیر آمده است.

جدول ۵. نتایج بوت استرپ و معنی داری مسیرهای غیرمستقیم

مسیر	مقدار بوت استرپ	حد پایین	حد بالا	سطح معنی‌داری
مؤلفه عشق به زمان‌بندی ازدواج به نگرش به ازدواج	۰/۰۷۸	۰/۰۲۹	۰/۱۶۶	۰/۰۰۷
مؤلفه کار به زمان‌بندی ازدواج به نگرش به ازدواج	۰/۰۷۴	۰/۰۲۹	۰/۱۳۸	۰/۰۲۱
مؤلفه جهان‌بینی به زمان‌بندی ازدواج به نگرش به ازدواج	۰/۰۱۶	-۰/۰۴۶	۰/۰۷۳	۰/۷۹۴
مؤلفه عشق به اهمیت ازدواج به نگرش به ازدواج	۰/۳۰۳	۰/۱۹۸	۰/۴۱۴	۰/۰۰۷
مؤلفه کار به اهمیت ازدواج به نگرش به ازدواج	۰/۱۸۲	۰/۰۸۷	۰/۳۱۷	۰/۰۰۴
مؤلفه جهان‌بینی به اهمیت ازدواج به نگرش به ازدواج	۰/۲۲۵	۰/۱۲۲	۰/۳۶۳	۰/۰۰۴
مؤلفه عشق به آمادگی ازدواج به نگرش به ازدواج	۰/۳۲۴	۰/۲۱۸	۰/۴۴	۰/۰۰۷
مؤلفه کار به آمادگی ازدواج به نگرش به ازدواج	۰/۲۰۷	۰/۱۲۲	۰/۳۴۴	۰/۰۰۴
مؤلفه جهان‌بینی به آمادگی ازدواج به نگرش به ازدواج	۰/۱۸۷	۰/۰۹۲	۰/۳۱۵	۰/۰۰۴

نتایج مندرج در جدول ۵ نشان می‌دهد که نتیجه بوت استرپ برای همه‌ی مسیرهای غیرمستقیم (به جز یک مسیر که با رنگ قرمز مشخص شده)، در دامنه بین حد پایین و بالای فاصله اطمینان قرار گرفت. سطح معنی‌داری به دست آمده ($p < ۰/۰۵$)، حاکی از معنی‌دار بودن مسیرهای غیرمستقیم در مدل نهایی می‌باشد. لازم به ذکر است مسیر غیرمستقیم مؤلفه جهان-بینی به زمان‌بندی ازدواج به نگرش به ازدواج غیرمعنی‌دار بود که در مدل نهایی پژوهش حذف گردید.

1. bootstrapping method

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی یک مدل مفهومی در مورد اثرات مستقیم و غیرمستقیم ابعاد هویت بر نگرش نسبت به ازدواج با نقش میانجی مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج در دانشجویان پسر مجرد تحصیلات تکمیلی بود. بر اساس مدل فرض شده ابعاد هویت به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج بر نگرش به ازدواج تأثیر دارد. همچنین مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج به صورت مستقیم بر نگرش به ازدواج تأثیر دارد. فرض اصلی نظریه افق ازدواج این است که ادراک از اهمیت، زمان و آمادگی ازدواج، عوامل مرکزی در تعیین رفتارها و تفاوت‌های افراد در طول دوره‌ی بزرگسالی هستند (کارول و همکاران، ۲۰۰۹).

پژوهش‌های زیادی در حوزه خانواده و ازدواج، نقش جنسیت، سن، تجربه طلاق یا ازدواج (و روابط) قبلی و هویت را در نگرش و انتظارات فرد نسبت به ازدواج مورد بررسی قرار داده‌اند. کافمن (۲۰۰۵) نشان داد، زنانی که دارای نگرش‌های مساوات‌آمیزتر و یا لیبرال‌تری هستند نسبت به زنانی که دارای نگرش سنتی‌تر هستند انتظار ازدواج پایین‌تر و سن موردانتظار ازدواج بالاتری دارند. همچنین، زنان با نگرش برابرنگر، انتظار فرزندآوری کمتر دارند. مردان با نگرش برابر و سنتی، در مورد انتظار از ازدواج و تمایل به فرزندآوری اختلافی نسبت به یکدیگر نشان ندادند. سولسارز^۱ (۲۰۰۲) نشان داد که انتظارات جنسی زنان با مواردی مانند "تولد و رشد فرزند" و "خوشبختی فرزند" و در مردان با "ایده‌ی عشق متقابل" همراه است. سن نیز عامل مهم مؤثر بر نگرش به ازدواج است. رایت، سیمونز و کمپیل^۲ (۲۰۰۷) نشان دادند که نوبزگسالان (میانگین ۲۰ سال)، انتظارات ایده‌آل تری از ازدواج نسبت به بزرگسالان با میانگین سنی ۳۲ سال دارند. بلت (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان داد، هویت عشق کسب شده با نگرش به ازدواج رابطه مثبت دارد. اما، هویت کار کسب شده، ارتباط معنی داری با نگرش به ازدواج ندارد. از سوی دیگر، هویت جهان بینی کسب شد، با نگرش به ازدواج رابطه منفی دارد.

در پژوهش حاضر، نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر حاکی از تأیید اثر مستقیم و غیرمستقیم مؤلفه عشق از طریق سه مؤلفه‌ی افق ازدواج (زمان‌بندی ازدواج، اهمیت ازدواج و آمادگی ازدواج) با نگرش نسبت به ازدواج بود. این یافته هماهنگ با یافته‌های بری و همکاران (۲۰۰۹)، مونتگومری (۲۰۰۵)، زیمر-گمبک و همکاران (۲۰۱۲) و بلت (۲۰۱۶) می‌باشد. طبق تحقیقات انجام شده هویت بحران‌زده و سردرگم کمترین میزان سازگاری را در انواع منزلت‌های هویتی نشان می‌دهد (فوجاکف^۳، ۲۰۰۷). بایرز و سیفگه-کرنکه (۲۰۱۰). نشان دادند، موفقیت در هویت عشقی با دیدگاه مرکزی در مورد ازدواج که در زمان‌بندی قبل از ازدواج دیده می‌شود، سازگار است و اهمیت بیشتر ازدواج در مقایسه با همسالانی که کمتر اهمیت می‌دهند؛ مشهود می‌باشد. کارول

1. Slosarz

2. Wright, Simmons & Campbell

3. Fadjukoff

و همکاران (۲۰۰۷) ادعا می‌کنند که آشکار است که دیدگاه‌های جوانان نسبت به ازدواج می‌تواند با طیف گسترده‌ای از ارزش‌ها و رفتارهای نوبزرگسالی مرتبط باشد. در تبیین یافته‌ی پژوهش حاضر می‌توان گفت، شکل‌گیری هویت و نقش برقراری روابط صمیمی آن در ازدواج، اهمیت ویژه‌ای دارد. همچنان که نوبزرگسالان در جستجوی تکامل هویت عشق و روابط صمیمانه خود هستند و شروع به ایجاد روابط جدی‌تر با جنس مقابل می‌کنند، نگرش آنان نسبت به ازدواج نیز در حال شکل‌گیری است. نگرش نسبت به ازدواج نشان‌دهنده احساسات و تمایلات افراد، پیش‌داوری‌ها یا سوگیری‌ها، تصورات از پیش فرض شده، ترس‌ها و عقاید راسخ آن‌ها در مورد ازدواج است. بنابراین نگرش یک فرد در مورد ازدواج آن چیزی است که او در مورد ازدواج فکر و احساس می‌کند. حال، اگر هویت عشق در افراد تکامل یافته‌تر باشد و فرد در مورد اینکه چه نوع رابطه‌ی دوستی برای وی مناسب است، بررسی‌های لازم نسبت به ایجاد رابطه را انجام دهد و به اطمینان برسد؛ یا در واقع نسبت به شناخت روابط صمیمانه و ازدواج، خود را متعهد و درگیر کند و ازدواج را یک رابطه‌ی محکم و پایدار بداند، نگرش مثبت‌تری نسبت به ازدواج خواهد داشت. از سوی دیگر، هویت عشق شکل‌یافته می‌تواند بر افق ازدواج فرد اثر گذاشته و آن را واضح‌تر، نزدیک‌تر و بااهمیت‌تر نمایان کند. در واقع چنین پسرانی، زمان‌بندی مناسبی را برای ازدواج خود را در نظر گرفته، ازدواج را بااهمیت‌تر می‌شمرند و احتمالاً خود را برای ازدواج و تشکیل خانواده آماده‌تر می‌دانند.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر حاکی از تأیید اثر غیرمستقیم مؤلفه کار از طریق سه مؤلفه‌ی افق ازدواج (زمان‌بندی ازدواج، اهمیت ازدواج و آمادگی ازدواج) با نگرش نسبت به ازدواج بود. این یافته هماهنگ با یافته‌ی بلت (۲۰۱۶) می‌باشد. احساس هویت به فرآیندی که در آن افراد هویت خویش را پایه‌ریزی می‌کنند و یا احساسی از خود به دست می‌آورند، اشاره دارد (اریکسون، ۱۹۵۰؛ به نقل از زیمرمن و همکاران، ۲۰۱۰). امروزه هویت شغلی در جوامع پیشرفته بسیار مورد توجه قرار گرفته است و به نظر می‌رسد ایجاد هویتی قوی، خودخواسته، مثبت و منطقی می‌تواند به موفقیت شغلی، سازگاری اجتماعی و سلامت روانی منجر شود (شوارتز^۱، ۲۰۱۱). هویت شغلی افراد در واقع به مفهومی که افراد جامعه از خود دارند بر مبنای شغل آنها اشاره دارد و ترکیبی از هویت‌های سازمانی و حرفه‌ای و دیگر وجوهی از یک شغل است که بخش قابل توجهی از نقشی را که یک فرد در اجتماع دارد تعیین می‌کند (شاوردی و حیدری، ۱۳۹۵). شغل یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین وجوه زندگی افراد است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای بر رفتارها و اخلاق افراد جامعه داشته باشد. گروه‌های شغلی و اخلاق حرفه‌ای حاکم بر هر گروه، میزان پرننگی و یا کم‌رنگی مرزهای میان هر گروه شغلی با دیگر گروه‌ها،

کیفیت‌های لازم برای کسب آن شغل و ... همه عواملی هستند که می‌توانند بر شدت تاثیرگذاری شغل بر هویت افراد و تعریفی که از خود بر مبنای شغل‌شان دارند تأثیر داشته باشد. موفقیت در کسب هویت شغلی، نشان دهنده‌ی این است که فرد در پی یافتن شغل مناسب خود است، علایق شغلی و حرفه‌ای خود را می‌شناسد و حاضر است برای یافتن شغل مناسب خود آموزش‌ها و تخصص‌های لازم را فرا گیرد. بنابراین، چنین افرادی که از نظر هویت شغلی و حرفه‌ای در سطح مطلوب‌تری هستند - با توجه به جنبه اقتصادی و مالی ازدواج - زمان‌بندی مناسب برای ازدواج خود را بر اساس وضعیت شغلی خود تنظیم کرده و آمادگی لازم برای ازدواج را در خود می‌بینند، لذا نگرش مثبت‌تری نسبت به ازدواج خواهند داشت.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر حاکی از تأیید اثر مستقیم و غیرمستقیم مؤلفه جهان‌بینی از طریق دو مؤلفه‌ی افق ازدواج (اهمیت ازدواج و آمادگی ازدواج) با نگرش نسبت به ازدواج بود. این یافته هماهنگ با یافته‌های بری و همکاران (۲۰۰۹)، مونتگومری (۲۰۰۵)، زیمر-گمبک و همکاران (۲۰۱۲) و بلت (۲۰۱۶) می‌باشد. ورود به بزرگسالی با شکل‌گیری جهان‌بینی و مشخص شدن ارزش‌های فردی و گروهی همراه است. شکل‌گیری و گسترش جهان‌بینی نوبزرگسالان با پیگیری استقلال از دیگران و تکانه‌های فردی مشخص می‌شود (آرنت و همکاران، ۲۰۰۱). شکل‌گیری هویت و دست‌یابی به تعریفی منسجم از خود، مهم‌ترین جنبه‌ی رشد روانی و اجتماعی انسان است. انتخاب ارزش‌ها، باورها و اهداف زندگی، مهم‌ترین مشخصه‌های اصلی هویت را در دوراهی نوجوانی و جوانی شکل می‌دهند. در مطالعه‌ی شخصیت انسان، هویت جنبه‌ی اساسی و درونی است که به کمک آن، فرد با گذشته‌ی خود ارتباط یافته و در زندگی احساس تداوم و یکپارچگی می‌کند. شکل‌گیری هویت همچنین ترکیبی از مهارت‌ها، جهان‌بینی و همانندسازی‌های دوران کودکی است که به صورت یک کل کم و بیش منسجم، پیوسته و منحصر به فرد در می‌آید و برای فرد، حس تداوم گذشته و جهت‌گیری به سوی آینده را فراهم می‌سازد. هر چه فرد، نسبت به ارزش‌هایی که از تولد تا بزرگسالی کسب کرده، آگاهی داشته باشد و آنها را مناسب خود ببیند؛ یا در واقع جهان‌بینی پایدارتر و متناسب با ارزش‌های خود داشته باشد، نسب به ایجاد رابطه و تشکیل خانواده یا ازدواج، نگرش مثبت‌تری خواهد داشت. از سوی دیگر، اهمیت ازدواج را بیشتر ادراک کرده و خود را برای ازدواج آماده می‌داند.

به طور کلی، یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که شکل‌گیری هویت با نقشی که بسیاری از نوبزرگسالان از ازدواج انتظار دارند، هماهنگ است. مهم‌ترین محدودیت پژوهش حاضر این است که از روابط به دست آمده بین متغیرها نمی‌توان برای استنباط روابط علی استفاده کرد. محدودیت دیگر این پژوهش این است که همه‌ی ابعاد هویت در این پژوهش مورد مطالعه قرار نگرفت. همچنین تعمیم نتایج به گروه‌های سنی دیگر (زیر ۲۰ سال و بالای ۳۵ سال) یا افراد غیردانشجو

باید با احتیاط صورت گیرد. یکی دیگر از محدودیت‌های مهم این مطالعه، ماهیت مقطعی مدل است که امکان استنتاج قطعی از نتایج را فراهم نمی‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که افق‌های ازدواج و وضعیت‌های هویتی ایستا نیستند (ویلوغبی، ۲۰۱۰). بنابراین برای ارزیابی کامل این روابط در نوبزگسالان، لازم است در پژوهش‌های آتی، به صورت طولی تغییرات در افق ازدواج با تغییر در وضعیت شکل‌گیری هویت مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، پیشنهاد می‌شود نمونه‌های دیگر به‌ویژه افراد غیردانشجو نیز مورد پژوهش قرار گیرند.

منابع

- امینی، مرضیه (۱۳۹۱). رابطه سبک‌های دلبستگی و انسجام خانواده با هویت در دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان گچساران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- آزاد فلاح، پرویز؛ پورمحمدرضای تجریشی، معصومه؛ بیگدلی، ایمان اله و مدرسی، حسن. (۱۳۸۷). راهکارهای علمی و اجرایی برای حل فاصله بین بلوغ و ازدواج: شناسایی موانع ازدواج و راهکارهای تسهیل آن. نخستین جشنواره ملی خانواده‌پژوهی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- شاوردی، ته‌مین و حیدری، حسن (۱۳۹۵). تحلیل و بررسی هویت شغلی با تأکید بر شناسایی ابعاد و مولفه‌های آن. فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، ۱(۴)، ۱۱۴-۱۴۱.
- گلستانی بخت، طاهره. (۱۳۹۵). کارکرد ازدواج: یک پژوهش کیفی. پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۶(۲۳)، ۳۵-۴۹.
- ممبینی، جعفر (۱۳۹۱). مقایسه نگرش به ازدواج و طلاق و دلبستگی به همسالان پسران دبیرستانی خانواده‌های عادی و طلاق شهر اهواز در سال تحصیلی ۹۰-۹۱. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- Acitelli, L. K., Rogers, S., & Knee, C. R. (1999). The role of identity in the link between relationship thinking and relationship satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 16 (5), 591-618.
- Adamczyk, K. (2017). Direct and indirect effects of relationship status through satisfaction with relationship status and fear of being single on Polish young adults' well-being. *Personality and Individual Differences*, 111, 51-57.
- Arnett, J. J. (1998). Learning to stand alone: The contemporary American transition to adulthood in cultural and historical context. *Human Development*, 41 (5-6), 295-315.

- Arnett, J. J. (2000). Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *American Psychologist*, 55 (5), 469–480.
- Arnett, J. J., Ramos, K. D., & Jensen, L. A. (2001). Ideological views in emerging adulthood: Balancing autonomy and community. *Journal of Adult Development*, 8 (2), 69–79.
- Arocho, R., & Kamp Dush, C. M. (2018). Distant horizons: Marital expectations may be dampened by economic circumstances. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 7 (1), 1–11.
- Arocho, R., & Kamp Dush, C. M. (2020). “Best-Laid Plans”: Barriers to Meeting Marital Timing Desires Over the Life Course. *Marriage & Family Review*, 1-24
- Balistreri, E., Busch-Rossnagel, N. A., & Geisinger, K. F. (1995). Development and preliminary validation of the Ego Identity Process Questionnaire. *Journal of Adolescence*, 18 (2), 179-192.
- Barry, C. M., Madsen, S. D., Nelson, L. J., Carroll, J. S., & Badger, S. (2009). Friendship and romantic relationship qualities in emerging adulthood: Differential associations with identity development and achieved adulthood criteria. *Journal of Adult Development*, 16 (4), 209–222. doi: 10.1007/s10804-009-9067-x.
- Beyers, W., & Seiffge-Krenke, I. (2010). Does identity precede intimacy? Testing Erikson’s theory on romantic development in emerging adults of the 21st Century. *Journal of Adolescent Research*, 25 (3), 387–415.
- Boyce, C. J., Wood, A. M., Delaney, L., & Ferguson, E. (2017). How do Personality and Social Structures Interact with Each Other to Predict Important Life Outcomes? The Importance of Accounting for Personality Change. *European Journal of Personality*, 42 (4), 471-484.
- Brateen, E., & Rosen, L. A. (1998). Development and Validation of the Marital Attitude Scale. *Journal of Divorce and Remarriage*, 29 (3), 83-89.
- Brown, S. L., Sanchez, L. A., Nock, S. L., & Wright, J. D. (2006). Links between premarital cohabitation and subsequent marital quality, stability, and divorce: A comparison of covenant versus standard marriages. *Social Science Research*, 35 (1), 454–470.
- Carey, K. M. (2005). Effects of childhood family environment on marital attitudes. M.A. Dissertation. Truman State University.
- Carlson, D. L. (2012). Deviations from desired age at marriage: Mental health differences across marital status. *Journal of Marriage and Family*, 74 (4), 743–758 .
- Carroll, J. S., Willoughby, B., Badger, S., Nelson, L. J., Barry, C. M., & Madsen, S. D. (2007). So close, yet so far away: The impact of varying marital horizons on emerging adulthood. *Journal of Adolescent Research*, 22 (3), 219–247.

- Carroll, J. S., Willoughby, B., Badger, S., Nelson, L. J., Barry, C., & Madsen, S. (2009). Ready or not? Criteria for marriage readiness among emerging adults. *Journal of Adolescent Research*, 24 (3), 349-375.
- Claxton, A., O'Rourke, N., Smith, J.A.Z., & DeLongis, A. (2013). Personality traits and marital satisfaction within enduring relationships: An intra-couple discrepancy approach. *Journal of Social and Personal Relationships*, 29 (3), 375-396.
- Crocetti, E., Scrignaro, M., Sica, L., & Magrin, M. (2012). Correlates of identity configurations & three studies with adolescent and emerging adult cohorts. *Journal of Youth Adolescence*, 41 (6), 732-748.
- Dion, K. K., & Dion, K. L. (1991). Psychological individualism and romantic love. *Journal of Social Behavior and Personality*, 6 (1), 17-33.
- Erikson, E. H. (1950). *Childhood and society*. New York, NY: W. W. Norton & Company.
- Fadjukoff, P. (2007). *Identity Formation in Adulthood*. Academic Dissertation. University of Jyväskylä Finland.
- Freeman, H., & Brown, B. B. (2001). Primary attachment to parents and peers during adolescence, differences by attachment style. *Journal of Youth and Adolescence*, 30 (6): 653-674.
- Johnson, M. D., Anderson, J. R., & Stith, (2011). An Application of Marital Horizon Theory to Dating Violence Perpetration. *Family Science Review*, 16 (2): 13-26.
- Jonsson, F. H., Njardvik, U., Olafsdóttir, G., & Grétarsson, S. J. (2000). Parental divorce: long-term effects on mental health, family relations and adult sexual behavior. *Journal of Psychology*, 41 (2), 101-105.
- Kennedy, S., & Bumpass, L. (2011). Cohabitation and trends in the structure and stability of children's family lives. Paper presented at the Annual Meeting of the Population Association of America, Washington, DC.
- Manning, W. D., Brown, S. L., & Payne, K. K. (2014). Two decades of stability and change in age at first union formation. *Journal of Marriage and Family*, 76 (2), 247-260.
- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego-identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3 (5), 551-558.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). *Attachment in Adulthood: Structure, Dynamics, and Change*. New York: The Guilford Press.
- Montgomery, M. J. (2005). Psychosocial intimacy and identity: From early adolescence to emerging adulthood. *Journal of Adolescent Research*, 20 (3), 346-374.
- Morsunbul, U., & Atak, H. (2013). Validity and Reliability Study of the Turkish Version of Ego Identity Process Questionnaire. *Educational Sciences: Theory and Practice*, 13 (4): 2053-2058.

- Mullis, A. K., Mullis, R. L. , Schwartz, S. J. , Pease, J. L. & Shriner, M. (2007). Relations among Parental Divorce, Identity Status, and Coping Strategies of College Age Women. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 7 (2): 137-154.
- Neufeldt, V., & Guranlik, D. G. (1988). Webster's new world dictionary (3rd edition). New York: Simon & Schuster.
- Pace U, Zappulla C (2009). Identity Processes and Quality of Emotional Autonomy: The Contribution of Two Developmental Tasks on Middle-Adolescents' Subjective Well-Being. *An International Journal of Theory and Research* 9 (4), 323-340.
- Pellerone, M., Ramaci, T., Granà, R., & Craparo, G. (2017). Identity development, parenting styles, body uneasiness, and disgust toward food A perspective of integration and research. *Clinical Neuropsychiatry*, 14 (4), 275-286.
- Pittman, J. F., Kerpelman, J. L., Soto, J. B., & Adler-Baeder, F. M. (2012). Identity exploration in the dating domain: The role of attachment dimensions and parenting practices. *Journal of Adolescence*, 35(6), 1485–1499.
- Rao, S. L. (2017). Marital adjustment and depression among couples. *The International Journal of Indian Psychology*, 4, 34-42.
- Risch, S. C., Jodl, K. M., & Eccles, J. S. (2004). Role of the father-adolescent relationship in shaping adolescent's attitude toward divorce. *Journal of Marriage and Family*. 66 (1): 46-58.
- Salmela-Aro, K., Aunola, K., & Nurmi, J.-E. (2007). Personal goals during emerging adulthood: A 10-Year follow up. *Journal of Adolescent Research*, 22 (6), 690–715. doi: 10.1177/0743558407303978.
- Schramm, D. G., Marshall, J. P., HarriIs, V. W., & Lee, T. R. (2012). Religiosity, Homogamy, and marital adjustment: An examination of newlyweds in first marriages and remarriages. *Journal of Family Issues*, 33 (2), 246-268.
- Schwartz, s. j. (2011). The Evolution of Eriksonian and Neo-Eriksonian Identity Theory and research: A Review and Integration , an International, *Journal of Theory and Research*, 1 (1): 7-58.
- Vespa, J. (2014). Historical Trends in the Marital Intentions of One-Time and Serial Cohabitors. *Journal of Marriage and Family*, 76, 207-217.
- Willoughby, B. (2010). Marital attitude trajectories across adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 39 (11), 1305-1317.
- Willoughby, B. J. (2010). Marital Attitude Trajectories across Adolescence. *Journal of Youth & Adolescence*, 39 (11): 1305–1317.
- Willoughby, B. J. (2014). Using marital attitudes in late adolescence to predict later union transitions. *Journal of Youth and Adolescence*, 46, 425–440.
- Willoughby, B. J., & Carroll, J. S. (2015). On the horizon: Marriage timing, beliefs, and consequences in emerging adulthood. In J. J. Arnett (Ed.). *The*

- oxford handbook of emerging adulthood. (pp. 280–295). New York, NY: Oxford University Press.
- Willoughby, B. J., & Hall, S. S. (2015). Enthusiasts, delayers, and the ambiguous middle: Marital paradigms among emerging adults. *Emerging Adulthood*, 3 (2), 123–135.
 - Willoughby, B. J., Hall, S. S., & Goff, S. (2015b). Marriage matters but how much? Marital centrality among young adults. *Journal of Psychology*, 149, 796-817.
 - Willoughby, B. J., Hall, S. S., & Luczak, H. P. (2015). Marital paradigms: A conceptual framework for marital attitudes, values, and beliefs. *Journal of Family Issues*, 36, 188–211.
 - Willoughby, B. J., Yorgason, J., James, S., & Kramer Holmes, E. (2020). What Does Marriage Mean to Us? Marital Centrality among Newlywed Couples. *Journal of Family Issues*, 27 (7), 1001-1032.
 - Zimmer-Gembeck, M. J., Hughes, N., Kelly, M., & Connolly, J. (2012). Intimacy, identity and status: Measuring dating goals in late adolescence and emerging adulthood. *Motivation & Emotion*, 36 (3), 311–322.

